نماد و ضرورت شناخت آن

فرشاد نجفی اسدالهی

گروه آموزشی علوم انسانی، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی بین المللی قشم . جزیره قشم. ایران. عضو هیات علمی. استادیار.

f.najafi.psy@iauctb.ac.ir

Farshad najafi assadollahi

Department of Humanities, Faculty of Humanities, Qeshm International Higher Education Institute. Qeshm Island. Iran. Faculty member. Assistant Professor

چکیده

انسان از اولین لحظه پیدایشش در کره زمین، برای بقا و زنده ماندن از ارتباط با انسان‌های دیگر با استفاده از نماد استفاده کرده است. حکاکی‌های انسان‌های نخستین در غارهای سراسر جهان که حاوی شکل‌های گوناگونی از حیوانات، انسان‌ها و جانورانی است که تا امروز هم موضوع بحث بین دانشمندان جهت کشف معانی آن‌ها است. با استفاده از اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای به ئنبال این پاسخ هستیم که چرا شناخت نمادها و توانایی تفسیر و معنی کردن آن‌ها اهمییت دارد. از سوی دیگر با افزایش توانایی در تفسیر معنای نمادها توانایی شناخت تاریخی و ارتباط بین عناصر ارتباطی در طول زمان نیز افزایش پیدا می‌کند و در حقیقت انسان با استفاده از نمادهای به جا مانده از گذشتگان توانایی حرکت به عمق تاریخ را پیدا می‌کند. نتایج تحقیق حاکی از این بوده است که می‌توان گفت انسان در جامعه‌ای ساخته شده از نمادهای آشکار و پنهان در حال زندگی است و اساسا می‌توان گفت ما در ساختاری از نمادها امکان زندگی داریم و بدون آن توانایی ادامه زندگی برایمان مقدور نخواهد بود.

کلمات کلیدی: نماد، نماد ملموس، نماد انتزاعی، قدرت نمادین، پرچم

مقدمه

وقتی چیزی در بین تمام مردم جهان مورد استفاده قرار گیرد و در طول تاریخ بشیریت حضورش پررنگ وجود داشته باشد حاکی از اهمییت بسیار آن است. نماد یکی از آن دسته چیزهایی است که می‌توان حضورش با حضور انسان در کره زمین و دوامش را با دوام تک تک انسان‌هایی که در زمین زندگی کرده‌اند برابر دانست. از این رو شناختن آن نه تنها بسیار ضرورت دارد بلکه عدم شناخت آن به معنی عدم شناخت بخش یزرگی از زندگی انسان‌ها، تاریخ، عدم توانایی در برقراری ارتباط و ساخت جوامع انسانی و در نتیجه عدم توانایی در ادامه حیت در کره زمین و بسیار مواردی است که هر خواننده‌ای با شناخت اهمییت نماد در زندگی می‌تواند شخصا آن را درک کند. با طیقه‌بندی نمادها به انواع مختلف اهمییت آنها بیشتر آشکار خواهد شد. به طور مثال زبان یک نماد است. برقراری ارتباط بدون استفاده از زبان بسیار سخت و دشوار است. مهارت صحبت کردن و نوشتن با استفاده از نمادها در قالب حروف و واژگان امکان پذیر است. بررسی زبان به عنوان یک نماد خود به سرفصل‌های بسیاری در قالب نماد شناسی تقسیم خواهد شد. اما اهمییت موضوع که تاکید این مقاله بر آن است در این است که اگر شخصی آموزش زبان ندیده باشد نمی‌تواند از این نماد برای برقراری ارتباط استفاده کند به عبارت دیگر ضرورت شناخت نماد زبان بسیار زیاد است و عدم توجه به آن یعنی عدم توانایی در برقراری ارتباط. نمادهای مذهبی از دیگر نمادهای گسترده و مورد استفاده مردم سراسر جهان هستند. این نمادها که برگرفته از حقایق و باورهای دینی ساخته شده‌اند به تنهایی توان ارسال پیام را در خود نداشته و باید آن‌ها را برای مخاطب توضیح داد تا اهمییت و قداست آن برای مخاطب درک شود. مراسم مذهبی نیز از اینگونه هستند و تنوع بسیار این مراسم موجب تنوع شکل‌گیری نمادهای بسیاری است که می‌بایست مورد بررسی و شناخت قرار گیرد. نمادهای بین‌المللی در قالب قرادادهای بین‌المللی نیز شکل جوامع بشری را تغییر داده است. مثلا علائم راهنمایی و رانندگی که در سراسر جهان یکسان است و با دیدن آن نمیتوان به معنای

آن پی برد و باید معنای آن‌ها آموزش داده شود تا انسان بتواند رفتار خود را هنگام برخورد با آن‌ها هماهنگ و تنظیم نماید. مردم از نمادها برای ارائه بازنمایی مشخص از کیفیت ها، ایده ها یا مفاهیم استفاده می کنند. به عنوان مثال، نویسندگان داستان ممکن است از یک کلمه یا رویداد ساده به عنوان نمادی برای چیزی عمیق تر یا مهم تر در یک داستان استفاده کنند. هنرمندان تجسمی گاهی از یک شی خاص برای نشان دادن مفهومی بالاتر استفاده می کنند، مانند مار برای نشان دادن خطر یا کبوتر برای انعکاس صلح. حتی رنگ ها را می توان به عنوان نماد مفاهیم استفاده کرد، مانند قرمز برای خشم. در زندگی روزمره، علائم هشدار دهنده در جاده ها یا ساختمان های اداری از نمادهای جهانی برای انتقال خطر استفاده می کنند، مانند جمجمه و استخوان های متقاطع برای چیزی که سمی است، یا علامت تعجب برای چیزی که خطرناک است. یا ممکن است هشدارهای ساده و کمتر فوری را نشان دهند، مانند تصاویری از افرادی که برای نشان دادن محل عبور عابر پیاده راه می‌روند. مذاهب نیز مجموعه ای از نمادهای خاص خود را برای نشان دادن امر الهی یا مقدس دارند. گاهی اوقات، نمادگرایی مذهبی می تواند شامل اشیایی باشد، مانند صلیب مسیحی یا نماد مسلمانان برای محمد، که - اکثر مسلمانان معتقدند - هرگز نباید به شکل انسان نشان داده شوند. در مواقع دیگر، نمادهای مذهبی حرکات یا اعمالی هستند، مانند ایستادن در زمان آمیده، که مجموعه ای از دعاها در یهودیت است. برخی از افراد از نمادها برای انتقال کلمات نوشته شده نیز استفاده می کنند. پیکتوگرام ها یا تابلوها که به این نمادها گفته می شود، توسط مصریان باستان، سومری ها و چینی ها استفاده می شد و مبنای زبان نوشتاری این فرهنگ ها شد. در برخی از نقاط جهان، مردم هنوز از پیکتوگرام برای انتقال ایده ها و معانی استفاده می کنند.

تعریف نماد

نماد کلمه ، عبارت ، تصویر ، شیء ، عمل ، رویداد ، الگو یا مانند آن است که چیزی دیگر را با تداعی ، شباهت یا قرارداد نشان می‌دهد (Baudrillard, Jean ,1995). یک نماد نه تنها نشان دهنده چیز دیگری است ، بلکه دارای مجموعه پیچیده ای از معانی است که آن را به چیزی که نشان می‌دهد گره می زند . این ارتباط نزدیک با چیزی که آن را نشان می دهد ، به خودی خود ارزشی ذاتی به آن می‌بخشد، ارزشی که از چیزی که آن را نشان می‌دهد مشتق می‌شود . در واقع ، نمادی بسیار نزدیک با چیزی که نشان می‌دهد مرتبط است ، نماد مترادف یا معادل آن چیز در نظر گرفته می‌شود (Eco, Umberto ,1965). نمونه‌هایی از نمادها : مجسمه‌ها ، بناهای تاریخی ، مجسمه‌ها ، ایده‌ها ، مفاهیم ، برخی احساسات یا عواطف یا احساسات ، نشانه‌ها یا کلماتی که بر روی یک تکه کاغذ یا تخته سیاه نوشته شده‌اند که نشان دهنده چیزها ، پرچم‌ها و نشان‌های دیگر است(Corner, John ,1980).

گره گشایی نمادها

نماد یک انتزاع مبهم نیست ، با این حال تصور ما از چیستی یک نماد به قدری مورد سوء استفاده و استفاده بیش از حد قرار می‌گیرد که گاهی اوقات در معانی مختلف آن درهم می پیچد(Hawkes, Terence ,1977). نمادها می‌توانند در دنیای فیزیکی اشیاء مادی و همچنین در دنیای انتزاعی ذهن وجود داشته باشند . راه دیگری برای بیان این موضوع این است که نمادها می توانند ملموس (واقعی یا قابل مشاهده) یا ناملموس (نامرئی) باشند (Lapsley, Robert & Michael Westlake ,1988). نمونه هایی از نمادهای ملموس: ماشین های واقعی و قابل مشاهده، افراد، ساختمان ها، وسایل الکترونیکی و دکمه های برگردان. نمونه هایی از نمادهای ناملموس: کشورها، موسیقی، باد تند، احساس لباس در برابر بدن، عملیات، کمیت ها، کیفیت ها و روابط. همه این انواع مختلف زمانی می توانند به نماد تبدیل شوند که برای چیزی غیر از خودشان ایستادگی کنند(Boorstin, Daniel J ,1961). نمادهای ملموس ممکن است نمایانگر چیزهای محسوس یا چیزهای نامشهود باشند. نمادهای ناملموس ممکن است نمایانگر چیزهای ملموس یا چیزهای نامشهود باشند. در واقع ، نمادها و چیزهایی که نشان می‌دهند ممکن است بر اساس محسوس یا نامشهود بودن آنها به صورت زیر طبقه بندی شوند :

نمادهای ملموس که چیزهای ناملموس را نشان می دهند: به عنوان مثال، یک طرح گرافیکی مانند یک دکمه برگردان که نشان دهنده یک حزب سیاسی است. نمادهای ملموس که چیزهای ملموس را نشان می دهند : برای مثال، یک خودروی کانورتیبل ممکن است نمایانگر ناوگانی از خودروها باشد. نمادهای ناملموس که نشان دهنده چیزهای محسوس هستند: به عنوان مثال، فکر آگاهانه کلمه جیسون که نشان دهنده یک شخص واقعی خاص به نام جیسون است. نمادهای ناملموس که نشان دهنده چیزهای نامشهود هستند: به عنوان مثال، یک فکر، ایده، مفهوم، تصویر ذهنی، خاطره یک تجربه، یا حافظه

حسی که نمادی از یک فکر، ایده، مفهوم، تصویر ذهنی، خاطره یک تجربه یا حسی است. حافظه به عنوان مثال، تصویر ذهنی فردی که از صخره سقوط می کند، که یک انتزاع است، ممکن است نمادی از انتزاع دیگری مانند ایده زندگی یا سرنوشت یا خدا باشد(Merton, Robert K ,1968). احساساتی مانند درد سردرد، کیفیت‌های ذهنی تجربه آگاهانه هستند که فیلسوفان ذهن آن‌ها را کیفیت می‌نامند(Morley, David ,1992). Qualia که چیزهای نامشهود هستند، می‌توانند کیفیت های دیگر را که چیزهای نامشهود هستند نشان دهند. به عنوان مثال، فکر طعم شراب می‌تواند ایده سردرد را نشان دهد.Qualia که خود ناملموس است، نمونه های عالی از تجربیات آگاهانه است که می تواند نمادی از چیزهای محسوس یا ناملموس باشد(Spiggle, Susan ,1998).

منبع قدرت نمادین

نمادهای بسیار قدرتمند به این دلیل قدرتمند هستند که از نظر معنایی غنی هستند. آنها جنبه‌ها و اشکال بسیاری دارند ; روابط آنها با چیزهایی که نشان می‌دهند پیچیده است. روابط پیچیده ارتباط آنها را با چیزهایی که نشان می‌دهند محکم می‌کند. نمادهای دیگر با قدرت کمتر روابط ساده‌تری با چیزهایی که نشان می‌دهند دارند. به طور کلی، هر چه رابطه بین یک نماد و چیزی که نشان می‌دهد پیچیده‌تر باشد ، پیوند بین آنها قوی‌تر است(Wright, Lawrence ,1983). نمونه ای از نمادها با روابط پیچیده و قوی، خدای هندو برهما-ویشنو-شیوا (تری مورتی) است. نمونه ای از نمادها با روابط ساده تر، تصویر شکلک {Ref.} است(Strinati, Dominic ,1995). تری مورتی (خالق، نگهدار و ویرانگر) به طور محو و قوی با خلقت، حفظ و نابودی همراه است زیرا تجلی پیچیده ای از دین است. شکلک به دلیل فراگیر بودن لبخند به طور پاک نشدنی اما کمتر با شادی مرتبط است(Lévi-Strauss, Claude ,1964). ماهیت این نوع روابط پاک نشدنی چیست؟ چه چیزی آنها را قوی و بالقوه قدرتمند می کند؟ در یک زمان: یک نماد مخفف یا نشان دهنده چیزی است. یک نماد با (قسمت و قطعه) چیزی که نشان می دهد شناسایی می شود. نماد چیزی را که نشان می دهد برانگیخته و برانگیخته می شود (Gallie, W B ,1952). مثلا : مشاهده یک پرچم ملی می‌تواند تداعی‌های چندگانه‌ای را با کشوری که نماینده آن است ایجاد کند، مانند غرور، عشق، نفرت، ترس، شجاعت، شهوت قدرت، میل به کنترل یا میل به تغییر(Deregowski, Jan B ,1980). به همین ترتیب، صرف ایده پرچم ملی می‌تواند باعث ایجاد اجبار برای ایستادن در معرض توجه، نگاه کردن به پرچم در جلوی رژه و سلام کردن شود، حتی اگر پرچمی وجود نداشته باشد(Hansen, Kristine ,1988). این مثال برخی از اثراتی را که یک پرچم ملی می تواند ایجاد کند، توصیف می کند، اثراتی که بسیاری از ما شخصاً تجربه کرده ایم. این نشان می‌دهد که صرف دیدن یا تصور پرچم ملی می‌تواند همان احساسات و افکاری را که می‌تواند با ملتی که نماینده آن است، نشان دهد، حتی زمانی که هیچ تماس واقعی با ملت وجود ندارد. این نشان می‌دهد که چگونه یک نماد می‌تواند به همان اندازه که یک ملت می‌تواند با اطمینان و با قدرت، فراخوانی برای اقدام باشد. این نشان می‌دهد که چگونه نمادها می‌توانند ارزش و قدرت خود را داشته باشند که از قدرتی که توسط آن‌ها در اختیار دارد جدا و مستقل است (Ogden, Charles K & Ivor A .Richards ,1923)

منبع قدرت نمادین مستقل یک نماد، قدرت ذاتی چیزی است که آن را نشان می دهد. یک نماد می تواند این قدرت را به دلیل ارتباط قوی با چیزی که نشان می دهد استخراج و جذب کند. و این قدرت را حتی زمانی که آن چیز وجود ندارد، تجلی می کند. هر چه در چیزی که نشان داده می شود قدرت بیشتری وجود داشته باشد و هر چه ارتباط با آن چیز نزدیکتر باشد، نماد قدرتمندتر و مستقل تر است(Tagg, John ,1988). این واقعیت که نمادها روابط قوی و مستقلی با چیزهای قدرتمند دارند، راز قدرت عظیم آنها بر مردم است(Bruner, Jerome S ,1966). به دلیل تأثیر حواس، نمادهای ملموس مانند دکمه های یقه، به اصطلاح به چشم شما می زند. وقتی آنها را لمس می کنید، می بینید یا سنجاق می کنید توجه شما را جلب می کنند(Abrams, Meyer H ,1971). نیروی اجسام ناملموس زمانی افزایش می‌یابد که توسط اجسام محسوس نشان داده شوند، زیرا آنها به عنوان نوعی ترومپ لوئیل جایگزین واقعیت فیزیکی هستند (Davis, Howard & Paul Walton ,1983b). نمادهای ناملموس مانند حافظه یک دکمه یقه، مدتها پس از اینکه جسم فیزیکی که آنها را نشان می دهند از دید خارج شد ، در ذهن شما کار می کنند. نمادهای ناملموس جانشینی برای اشیای محسوس هستند، در صورتی که مورد دوم وجود نداشته باشند(Eagleton, Terry ,1983). ایده هایی مانند سرنوشت یا خدا نمادهای ناملموسی هستند که می توانند تکرار شوند. آنها می توانند خود را در ضمیر ناخودآگاه بکوبند(Hagstrom, Warren O ,1965). نمادهای ناملموس می

توانند با شبکه هایی از افکار، عواطف، خاطرات رویدادها و احساساتی که در مغز ذخیره می شوند مرتبط باشند. این شبکه ها خود می توانند با افکار، احساسات، خاطرات رویدادها و احساسات دیگر ارتباط داشته باشند. یک نماد می‌تواند شبکه‌های مغزی را چندین برابر تحریک کند و قدرت آن را بارها و بارها چند برابر کند(Lacan, Jacques ,1977).

سیستم های نمادی

سیستم از هر نوعی که باشد مجموعه یا ترکیبی از چیزها یا اجزایی است که یک کل پیچیده یا واحد را تشکیل می دهد، مجموعه ای از اعضای همبسته، مجموعه ای منظم و جامع از حقایق، اصول، آموزه ها یا موارد مشابه در یک حوزه معین خاص(O'Sullivan, Tim, John Hartley, Danny Saunders, Martin Montgomery & John Fiske ,1994).

یک سیستم نماد مانند هر سیستم دیگری است - این مجموعه ای از نمادها است که یک کل واحد را تشکیل می دهد. گروه‌ها یا مجموعه‌هایی از نمادهای مرتبط به هم در دین، فلسفه، زبان و بسیاری از زمینه‌های دیگر تلاش انسان یافت می‌شوند(Chaplin, Elizabeth ,1994).

سمبولیسم و نمادگرایان

سمبولیسم عمل بازنمایی اشیا با استفاده از نمادها یا نسبت دادن معانی یا اهمیت نمادین به اشیا، رویدادها یا روابط است. نمادگرایی سیستمی از نمادها یا بازنمایی ها، یک معنا یا بازنمایی نمادین، یا آشکارسازی یا پیشنهاد شرایط یا حقایق ناملموس به وسیله ابداع هنری است(Bacon, Francis ,1620). سمبولیسم همچنین اصطلاحی است که برای جنبش، نظریه یا عمل نمادگرایان اواخر قرن نوزدهم، گروهی از نویسندگان و هنرمندان عمدتا فرانسوی که عقاید و احساسات خود را به طور غیرمستقیم از طریق نمادها بیان می‌کردند، به کار می‌رود(Buxton, David ,1990). به طور کلی، نمادگرا کسی است که از نمادها یا نمادها استفاده می کند، یا کسی که شرایط یا حقایق را با استفاده از نمادها یا نمادها تفسیر یا بازنمایی می کند(MacCabe, Colin ,1974).

اهمیت نمادها

انسان موجودی نمادین است. او در نمادها فکر می کند. ریاضیدانان، زبان شناسان یا موسیقیدانان بدون نماد کجا خواهند بود؟ برای روانشناسانی مانند یونگ و فروید، نمادها برای آرایش و عملکرد روان ضروری هستند. هر فرهنگ و عصری دارای نمادهایی بوده و نظام های نمادین متعددی را ابداع کرده است(Panofsky, Erwin ,1970b). شاید صدها هزار یا حتی میلیون‌ها نماد وجود داشته باشد که در گردش رایج هستند، حتی وقتی این را می‌خوانید، و بسیاری دیگر که در فرهنگ‌ها در طول تاریخ پخش شده‌اند. برخی از آنها برای هزاران سال در حال استفاده فعال بوده‌اند، در حالی که برخی دیگر فقط برای خدمت به هدف خود و ناپدید شدن ایجاد شده‌اند. امروزه نمادهای جدید ساخته می شوند و نمادهای قدیمی با سرعت شگفت انگیزی در حال مرگ هستند(Sebeok, Thomas A (Ed.) ,1960). هنرها مملو از نمادها هستند. دستکاری نمادها بخش بزرگی از کارهایی است که هنرمندان انجام می دهند، به طوری که هنرمندان تا حد زیادی نمادگرا هستند. در واقع، با چند استثناء جزئی، می توان ادعا کرد که هیچ گونه هنری حتی بدون نمادها نیز قابل اجرا نیست. مسلماً نمادگرایی در هسته اصلی هنرها قرار دارد(Halliday, Michael A K ,1994). در ادبیات از نمادگرایی برای ایجاد تأثیری استفاده می شود که با ضمیمه کردن معنای اضافی به یک شی یا نام کنشی انجام می شود. به عبارت دیگر نمادگرایی به نویسنده این امکان را می دهد که به جای بیان صریح، چیزی را به شیوه ای شاعرانه به مخاطب خود منتقل کند (Derrida, Jacques 1976)., نمادها - مانند ژست‌ها، نشانه‌های اشیاء و کلمات - به مردم کمک می‌کنند آن جهان را درک کنند. آنها با انتقال معانی قابل تشخیصی که در جوامع مشترک است، سرنخ هایی برای درک تجربیات ارائه می دهند (Allport, Gordon W. & Leo J. Postman ,1945). نمادها درک دنیایی را که در آن زندگی می‌کنیم تسهیل می‌کنند، بنابراین به‌عنوان زمینه‌ای برای قضاوت کردن ما عمل می‌کنند. به این ترتیب مردم از نمادها نه تنها برای درک دنیای اطراف خود بلکه برای شناسایی و همکاری در جامعه از طریق لفاظی سازنده استفاده می کنند(Goffman, Erving ,1969). نمادگرایی می تواند نوشتن را ارتقا دهد. نمادها می توانند به کلمات معانی مضاعف هم به صورت تحت اللفظی و هم مجازی بدهند و نویسندگان می توانند بیشتر با کمتر بگویند. نمادگرایی همچنین می تواند نوعی زبان مخفی بین نویسنده و خواننده باشد (Lévi-Strauss,

(Claude ,1972. نماد چیزی است که مخفف یا نشان دهنده چیز دیگری است. نمادها اغلب در نمایشنامه برای تعمیق معنای آن و یادآوری مضامین یا موضوعات مورد بحث به مخاطب استفاده می شوند. یک تکیه گاهی دارای اهمیت خاصی است که وقتی به صورت نمادین در اثر استفاده شود، مخاطب فوراً آن را تشخیص می دهد (Mick, David Glen & Claus Buhl ,1992). نمادگرایی چگونه به ایجاد یک موضوع کمک می کند. با کلمات "یک مفهوم ایده یا درس ..." شروع می شود. اگر مضامین ایده یا مفاهیم هستند، نمادگرایی ظرفی برای ارائه آن ایده ها و مفاهیم است. به عبارت دیگر نمادها باید به طور دقیق مضامین یک داستان را منعکس کنند و بنابراین باید با دقت انتخاب شوند(Chase, Stuart ,1938). انسان ها از این کلمات برای تشکیل عبارات و جملات - برای برقراری ارتباط استفاده می کنند. نه تنها انسان ها از زمان های قدیم نمادها را خلق و تفسیر کرده اند، بلکه ما همچنان به خلق و یافتن معنا در نمادهای مختلف در زندگی خود ادامه می دهیم. حتی به عنوان نمادهای الگو می تواند به ما کمک کند که چه چیزی مطلوب و نامطلوب است (Lakoff, George & Mark Johnson ,1980). هر کاری که فرد در طول زندگی خود انجام می دهد بر اساس نمادگرایی فرهنگی استوار و سازماندهی شده است. ... نمادگرایی به مفهوم "لایه های معنا" منتهی می شود. فرهنگ معنایی است که برای ارائه اصول راهنمایی برای معنای فردی مشترک است. زبان پرکاربردترین شکل نمادگرایی است(Benveniste, Emile ,1971).

اهمییت نمادها و اعمال

از منظر مددکاری اجتماعی، افراد در بسیاری از سیستم‌های مختلف قرار می‌گیرند که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد و ژنوگرام بر این دیدگاه نظری سیستم با تمرکز بر خانواده تأکید می‌کند. یکی از نمونه های آن نمادی است که درخت در دین مسیحیت ارائه می کند(Wren-Lewis, Justin ,1983).

تبدیل نمادگرایی به ویژگی مهم نوشتار مدرنیستی

نمادگرایی به عنوان انگیزه ای برای به تصویر کشیدن واقعیتی متفاوت از واقعیت ناتورالیسم و رئالیسم آغاز شد و با حرکت دادن تمرکز روایت بر چینش کلمات و تصاویر، تأثیری بر ادبیات مدرنیستی ایجاد کرد. به عنوان اولین رمان نمادگرایانه هیزمنز، Rebour هنرنمایی در استفاده از زبان را نشان می دهد(Alberti, Leon Battista ,1966).

اهمییت نمادگرایی در فیلم

هدف از نمادگرایی در فیلم این است که باید به شما کمک کند تا ایده های کلیدی خاصی را در فیلمنامه خود بیان کنید. همانطور که گفته شد، مهم است که نمادگرایی استفاده شده ظریف باقی بماند، اما همچنین به اندازه کافی قابل توجه باشد که مخاطب شما متوجه شود که شما چه کار می کنید. این تعادل کلیدی است(Heath, Stephen ,1981).

اهمیت استفاده از نمادها برای انتقال پیام یا اطلاعات

نمادها - مانند ژست‌ها، نشانه‌های اشیاء و کلمات - به مردم کمک می‌کنند آن جهان را درک کنند. آنها با انتقال معانی قابل تشخیصی که در جوامع مشترک است، سرنخ هایی برای درک تجربیات ارائه می دهند (Lévi-Strauss, Claude ,[1949] 1969).

اهمییت بازنمایی نمادین در رشد کودک

کودک در این حالت (که حالت یا مرحله نمادین نامیده می شود) می تواند با استفاده از صداها و بازی های کلمات ایده ها را به تصویر بکشد و منتقل کند. که نشان دهنده یک موتور با سرعت بالا است(Riffaterre, Michael ,1970). ...

اهمییت درک نمادین

کودکان مبتلا به شرایط طیف اوتیسم (ASC) اغلب مشکلات خاصی را در درک نمادین تصاویر تجربه می کنند - دانشی که یک تصویر نشان دهنده و ارجاع به یک مرجع دنیای واقعی است (Hartley & Allen 2014b Preissler , 2008).

اهمییت استفاده نمادگرایی در تئاتر

نمادگرایی در تئاتر را می توان از طریق لباس و وسایل حرکت رنگی شخصیت ها به دست آورد. ... یک تخت بزرگ می تواند نماد قدرت باشد، یک پنجره قرار داده شده در یک مجموعه می تواند نمادی از آزادی در دنیای بیرون باشد یا یک عمل ساده توسط یک شخصیت می تواند نماد یک ایده آل بزرگتر در زمینه نمایش باشد(Goldschmidt, E P ,1943).

اهمییت نمادها در شعر

نمادها در یک شعر مهم هستند، زیرا آنها یک موضوع یا معنای ایده خاص را نشان می دهند. این نوع هنر تمرین نمادگرایی نامیده می شود. یک شاعر از نمادگرایی استفاده می کند تا یک کلمه عملی خاص را احساس خلق و خو در اشاره به کلمه دیگر نشان دهد(Lodge, David ,1988).

اهمییت استفاده از نمادگرایی در هنر

نمادگرایی را می توان به عنوان تمرین یا هنر استفاده از یک شی یا یک کلمه برای نمایش یک ایده انتزاعی تعریف کرد. یک فرد عملی کلمه یا شیء را می تواند معانی نمادین داشته باشد. وقتی نویسندگان می‌خواهند حالت یا احساس خاصی را پیشنهاد کنند، از نمادگرایی برای اشاره به آن استفاده می‌کنند تا اینکه صراحتاً آن را بیان کنند(Culler, Jonathan ,1985).

تاثیر نمادها بر زندگی ما

نمادها تأثیر قدرتمندی بر زندگی روانی و معنوی ما دارند. در دنیای درونی ما یک نماد می تواند پتانسیل یا فراخوانی را ارائه دهد که فقط برای درک شما باشد. ... استفاده از نمادها به ذهن کمک می کند تا بر یک عنصر واحد متمرکز شود و طبیعت ناآرام خود را آرام کند(Leiss, William, Stephen Kline & Sut Jhally ,1990).

اهمییت کار با نمادها

از طریق کار با نمادها می توانیم به انرژی و معنایی که از دنیای درون می آید دسترسی داشته باشیم. آنها می توانند مستقیم تر از کلمات ارتباط برقرار کنند. نمادها اغلب دارای کیفیتی هستند که انرژی مقدس آنها را منتقل می کند، انرژی ای که به زندگی سطحی ما معنا و تغذیه واقعی می بخشد(Nelson, Richard K ,1983).

اهمییت مطالعه نمادها

درک نمادین برای رشد فرد برای احساس خود برای درک واقعیت برای اینکه بتواند چیزهای خالی از اینجا و اکنون را برای سواد و برای انسان بودن در نظر بگیرد بسیار مهم است. ما نمی توانیم و نباید از این حوزه توسعه غافل شویم (Cook, Guy ,1992).

اهمییت نمادها برای کشور ما

هر ملتی نمادهایی دارد - اشیاء خاصی که نشان دهنده ارزش های اعتقادی سنت ها یا سایر ایده های ناملموس است که آن کشور را منحصر به فرد می کند. در حالی که این نمادها ممکن است در طول زمان تغییر کنند، اما می‌توانند با یادآوری تاریخ و مهم‌ترین اصول ملت، به پیوند ملت‌ها کمک کنند(McQuarrie, Edward F & David Glen Mick ,1992).

اهمیت نمادها در فرهنگ

نمادها به مردم کمک می کنند فرهنگ خود را تعریف و درک کنند، زیرا معانی مشترک نمادهای مختلف در طول فرآیند اجتماعی شدن آموخته می شود، فرآیندی که از طریق آن افراد ارزش ها، هنجارها، باورها و انتظارات جامعه خود را یاد می گیرند(Barnlund, Dean C ,1975).

اهمییت نمادها برای سیاست

نمادگرایی سیاسی نمادگرایی است که برای نشان دادن یک دیدگاه سیاسی یا حزب استفاده می شود. ... در برخی از کشورها نمادهای سیاسی در برگه های رأی ظاهر می شوند. اینها به عنوان نمادهای انتخاباتی شناخته می شوند و یکی از کارکردهای آنها کمک به رای دهندگان بی سواد برای شناسایی احزاب است(Willemen, Paul ,1994).

اهمیت نمادهای تزئینی

مستطیل های بیضی خطوط و سایر ابزار نمادهای تزئینی موجود در جعبه ابزار هیچ معنای فنی ندارند اما می توانند به خوانایی کمک کنند. می توانید از آنها برای احاطه بخشی از یک مدل استفاده کنید تا به عنوان مثال دامنه های فعالیت را تشخیص دهید(Jakobson, Roman ,1960).

اهمیت نمادها در دین

نمادهای مذهبی برای انتقال مفاهیم مربوط به رابطه بشریت با امر مقدس یا مقدس (مانند صلیب در مسیحیت) و همچنین به دنیای اجتماعی و مادی (مانند دارماچاکرا یا چرخ قانون بودیسم) استفاده می شود(Danesi, Marcel ,1999).

اهمییت نماد تزئینی در هنر

در نقاشی نمادگرایی بیانگر ترکیبی از فرم و احساس واقعیت و ذهنیت درونی هنرمند است(Cherry, Colin ,1966).

تاثیر نمادگرایی بر دنیای مدرن

نمادگرایی همچنین می‌تواند در خط مقدم مدرنیسم دیده شود، زیرا ابزارهای جدید و اغلب انتزاعی را برای بیان حقیقت روان‌شناختی و این ایده که در پس دنیای فیزیکی یک واقعیت معنوی نهفته است، ایجاد کرد. سمبولیست ها می توانند چیزهای ناگفتنی مانند رویاها و رویاها را بگیرند و به آن شکل دهند(Metz, Christian ,1974).

استفاده از نمادگرایی غالب در قرن 18

تلاش سمبولیست ها برای تأکید بر ویژگی های ذاتی و ذاتی رسانه شعری، مبتنی بر اعتقاد آنها به برتری هنر بر سایر ابزارهای بیان یا دانش بود (Butler, Judith ,1999).

نمادگرایی در مدرنیسم

نمادگرایی اولین تجلی مدرنیسم است که به صورت انحراف شاعرانه از رمانتیسم ظاهر شد. توجیه متافیزیکی دین اصیل هنری را تثبیت می کند که با زیبایی شناسی با کیش تصنع تجلی می یابد. بنابراین شعر به نمونه اولیه هنر در نمادگرایی تبدیل می شود(Gombrich, Ernst H ,1974).

اهمییت نمادگرایی برای چیزهایی مانند فیلم کوتاه و داستان کوتاه

ایجاد یک زبان منحصر به فرد از استعاره ها و نمادها برای فیلم شما بخش بزرگی از داستان گوی تصویری بودن است. تصاویر نمادین به ما در درک مفاهیم انتزاعی کمک می کنند که همیشه نمی توانند به کلمات ترجمه شوند. (Forman, H B (Ed.) ,1880)

نمادها، نشانه‌ها و استعاره در کار هنری

نمادگرایی یکی از مهمترین عناصر در عمق بخشیدن به هنر شماست. می‌تواند در رنگ‌های یک نقاشی، استعاره‌های شعر یا صحنه صحنه یا کتاب باشد. ... یا می توانید از نمادهای خاص تری مانند آینه شکسته که نماد جدایی یا ناامنی است استفاده کنید(Ogden, Charles K ,[1930] 1944).

معنای نمادگرایی در ادبیات

نمادگرایی این ایده است که اشیا چیزهای دیگر را نشان می دهند. منظور ما از آن این است که می‌توانیم به چیزی نگاه کنیم - مثلاً رنگ قرمز را - و نتیجه بگیریم که نشان‌دهنده خود رنگ قرمز نیست، بلکه چیزی فراتر از آن است: برای مثال اشتیاق یا عشق یا فداکاری(Thayer, Lee ,1982).

استفاده از چهره های نمادین در ادبیات

در ادبیات از نمادگرایی برای ایجاد تأثیری استفاده می شود که با ضمیمه کردن معنای اضافی به یک شی یا نام کنشی انجام می شود. نمادگرایی چیزی را می گیرد که معمولاً عینی است و آن را به چیز دیگری مرتبط یا می چسباند تا معنای جدید و مهم تری به آن بدهد(White, Hayden ,1987).

نمادهای فرهنگی

برای درک واضح نمادهای فرهنگی، درک معنای تک تک کلمات ضروری است. نماد یک شی، کلمه یا عمل است که یک مفهوم را نشان می دهد(Goodman, Marcia ,1990). فرهنگ همه رفتارها، زبان ها، باورها، سنت ها و معنای مشترک آن است که معیارهای یک گروه را هدایت می کند. با هم، یک نماد فرهنگی نمادی است که برای یک گروه معنا و درک دارد. بسیاری از گروه ها از نمادها برای بیان مفهومی از فرهنگ خود استفاده می کنند [1964], Barthes, Roland) (1967. نمادها توسط یک فرهنگ برای بیان ارزش فرهنگ استفاده می شود. نمادهای فرهنگی به گروهی که عقاید یکسانی دارند این امکان را می دهد که بر اساس تجربه آن نماد یکدیگر را شناسایی کنند. یک باور یا تجربه ادامه دار می تواند از طریق نماد فرهنگی منتقل شود. به عنوان مثال، هنگامی که پرچم یک کشور برافراشته می شود، افرادی که به آن کشور وابسته هستند به احترام آن پرچم می ایستند زیرا نشان دهنده ناسیونالیسم است(Olson, David ,1994). نمادها برای فرهنگ ها بسیار مهم هستند زیرا به گروه کمک می کنند تا خود فرهنگ را ایجاد کنند. نمادهای فرهنگی می توانند چیزهای زیادی را نشان دهند و به فرهنگ ها کمک کنند تا ایدئولوژی های خاص و استانداردهای اجتماعی فرهنگ را که در بین گروه ها منتقل می شود، بیان کنند(Tudor, Andrew ,1974).

فرهنگ نمادین

فرهنگ نمادین با نمادهای فرهنگی بسیار متفاوت است. به یاد داشته باشید که نماد فرهنگی یک شی، کلمه یا عملی است که یک مفهوم را نشان می دهد. فرهنگ نمادین را می توان تجربه ای تعریف کرد که بر یک فرهنگ دلالت می کند (Mick, David Glen & Laura G Politi ,1989). بیشتر درباره چیزهایی است که در یک فرهنگ نمی توان لمس کرد و چیزهایی که افراد یک گروه یا فرهنگ برای برقراری ارتباط با یکدیگر به آنها معنا می دهند. افراد با فرهنگ های مختلف رفتار مشترک یا تجربه مشترکی دارند که درک می شود که فرهنگ را به هم متصل می کند. اقداماتی مانند رقص در فصل بارانی، دست دادن خاص یا خالکوبی صورت که به افراد درگیر هشدار می دهد که متعلق به یک گروه هستند، عناصر فرهنگ نمادین هستند(Corner, John ,1983). عناصر فرهنگ نمادین آنقدر زیاد است که فهرست کردن همه آنها غیرممکن است. عناصر فرهنگ نمادین شامل، اما نه محدود به، زبان، حرکات، ارزش ها، آداب و رسوم، میراث، موسیقی، رنگ ها و بسیاری موارد دیگر است. یکی از نمونه های فرهنگ نمادین مفاهیمی مانند خیر و شر یا بهشت و جهنم هستند (Innis, Robert E (Ed.) ,1986).

نمادها در فرهنگ های مختلف

نمادها گاهی توسط فرهنگ های مختلف مورد استفاده قرار می گیرند و ممکن است چیزهای مختلفی را برای هر یک از آن فرهنگ ها نشان دهند. ممکن است درک تفاوت در معنا گیج کننده باشد. بسیار مهم است که از معانی مختلف فرهنگ های مختلف آگاه باشید زیرا ممکن است یک نماد یک فرهنگ را آزار دهد اما فرهنگ دیگر را آزار ندهد. به عنوان مثال، سواستیکا از نظر تاریخی به عنوان نماد نفرت شناخته می شود که حزب نازی و آدولف هیتلر از دهه 1930 تا دهه 1940 برای نشان دادن نفرت و رفتار نسل کشی نسبت به یهودیان و سایر نژادها در تمایل به ایجاد یک نژاد خالص آریایی استفاده می کردند(Birdwhistell, Ray L ,1971).

در تضاد، سواستیکا از فرهنگ های مختلف آسیایی سرچشمه گرفته است. صلیب شکسته از یک کلمه سانسکریت به معنای "مفید برای سلامتی" سرچشمه گرفته است(Goodman, Nelson ,1968). در آیین هندو، نماد عقربه های ساعت نشان دهنده خورشید، رفاه و خوش شانسی است، اما نماد خلاف جهت عقربه های ساعت نماد شب است. در بودیسم، نشان دهنده ردپای بودا و در جین، نشان دهنده سوپارشواناتا: هفتمین معلم معنوی است. در فرهنگ هند و اروپایی، سواستیکا نشان دهنده یک پیچ نورانی است که به معنای خدای رعد و برق است(Johnson, Richard ,1996). نمادگرایی این ایده است که اشیا چیزهای دیگر را نشان می دهند. منظور ما از آن این است که می‌توانیم به چیزی نگاه کنیم - مثلاً رنگ قرمز - و نتیجه بگیریم که نشان‌دهنده خود رنگ قرمز نیست، بلکه چیزی فراتر از آن است: برای مثال، اشتیاق، یا عشق، یا از خود گذشتگی. یا شاید برعکس: خیانت. رنگ قرمز همچنین می تواند نشان دهنده خون باشد(Derrida, Jacques ,1978). همچنین می تواند به معنای توقف باشد - وقتی به چراغ راهنمایی نزدیک می شوید. می تواند نماد کمونیسم باشد. به عبارت دیگر، می تواند به معنای هر چیزی باشد که شما بخواهید. به عبارت دیگر یعنی همه چیز. یا: معنایی ندارد، زیرا اگر بتوان هر گونه تعبیر نمادینی را برای آن قائل شد، نه ارزش درونی دارد، نه معنای ثابت یا لایتغیر یا جهانی. هیچ کیفیت خاصی ندارد که آن را به عنوان نماد یک چیز خاص معرفی کند(Morris, Charles W ,1938/1970). بنابراین سؤال این است: آیا نمادهای جهانی وجود دارند که مفاهیم مورد توافق را به هم منتقل کنند؟ مثلاً می‌توانیم در مورد رنگ سفید که نماد پاکی یا بی‌گناهی یا زندگی است صحبت کنیم. اما باز هم، این یک خوانش بسیار سطحی از ادبیات خواهد بود، زیرا رنگ سفید همچنین می‌تواند به معنای رنگ پریدگی، بی‌خونی، بی‌جانی و مرگ باشد. بنابراین یک بار دیگر، اگر رنگ سفید می تواند یک چیز را نشان دهد و مخالف آن - زندگی و مرگ - چه نوع نمادی است؟ یک روش پیچیده تر برای نزدیک شدن به نمادگرایی این است که بگوییم چیزها فقط در زمینه های خاصی دارای ویژگی های نمادین هستند - و گاهی اوقات آنها اصلاً نمادی از چیزی نیستند. اگر بخواهیم به نقل از گرترود اشتاین بگوییم: گاهی اوقات گل رز یک گل رز است. گاهی اوقات گل رز به معنای عشق یا خواستگاری یا اشتیاق یا میل یا فداکاری نیست - یا چیزی فراتر از خودش. بعضی از گل ها قرمز هستند، بعضی دیگر سفید یا آبی هستند و هیچ معنای نمادینی ندارند، نه در زندگی واقعی و نه در ادبیات (Samovar, Larry A & Richard E Porter ,1988). من فکر می کنم بسیار وسوسه انگیز است که با هر عنصری در ادبیات به عنوان نمادی از چیزی برخورد کنیم. برای مثال، طوفانی که در افق در حال وقوع است باید نمادی از آشفتگی عاطفی باشد که شخصیت اصلی آن را پشت سر می گذارد. یا ماشین سیاهی که شخصیت اصلی می‌راند، پیش‌گویی از مرگ اوست و غیره مهم است که به یاد داشته باشید که گاهی اوقات یک طوفان در افق به سادگی نشان دهنده آب و هوای بد است (Genosko, Gary 1994,). برخی از گربه ها سفید، برخی سیاه و برخی زنجبیل هستند. این بدان معنا نیست که گربه‌های سفید بی‌گناه‌تر یا پاک‌تر هستند، یا اینکه صاحبان گربه‌های سیاه شخصیت‌های بیمارگونه‌ای هستند که می‌میرند. همه ما قرار است بمیریم و متاسفانه زودتر از آنچه فکر می کنیم(Lodge, David ,[1977] 1996). پس کجا می‌توانیم نمادهایی را ببینیم که هوشمندتر هستند، نمادهایی که پیچیده‌تر و پیچیده‌تر هستند؟ من فکر می‌کنم همه چیز به زمینه بستگی دارد، و فکر می‌کنم که آثار ادبی هوشمند می‌توانند عناصر متنی خاصی را به‌عنوان نمادهایی تثبیت کنند که لزوماً با هیچ معنایی از پیش تعیین‌شده سرمایه‌گذاری نمی‌شوند: عناصری که ما تمایل نداریم به‌طور خودکار به عنوان نمادهایی از آنها فکر کنیم. هر چیزی(Messaris, Paul ,1982). در اینجا یک مثال است. اگر این رمان بسیار جالب گیلبرت سورنتینو، زیر سایه را در نظر بگیریم، کاری که انجام می دهد این است که مجموعه ای از تصاویر - یا عناصر بافتی، یا اجزای متنی - را به ما نشان می دهد و ما نمی دانیم معنی آنها چیست یا چرا در سراسر جهان تکرار می شوند. رمان، بارها و بارها، در پیکربندی های مختلف. اما وقتی به یکی از این عناصر نگاه می کنیم - مثلاً ماه - هر بار که آن را می بینیم، هر بار که شخصیت ها به ماه نگاه می کنند، به تدریج متوجه می شویم که آنها در واقع به گذشته خود، به تاریخ شخصی خود نگاه می کنند (Saussure, Ferdinand de ,[1916] 1983). یا خاطرات کودکی به طور دقیق‌تر، در نقطه‌ای از کتاب، یک ستاره‌شناس آماتور، که حرفه‌ای پزشک است، با تلسکوپ به ماه اشاره می‌کند و وقتی از عدسی نگاه می‌کند، چیزی که می‌بیند یک زوج جوان، یک مرد و یک زن است. یا گاهی یک زن جوان و یک زن مسن - در حال حمام کردن در دریاچه. خیلی عجیبه او از این تصویر مبهوت شده است. چگونه ممکن است که وقتی تلسکوپ به سمت ماه گرفته می شود، این چیزی است که او می بیند؟ چیزی که بعداً در رمان متوجه می‌شویم این است که او به والدین خود نگاه می‌کند و ناگهان به یک خاطره سرکوب‌شده دوران کودکی دسترسی پیدا می‌کند. بنابراین دفعه بعد که ماه ظاهر می شود، می دانیم که احتمالاً نمادی است - یا به نحوی نشان دهنده - یک لایه پنهان خاص در آرایش روانی شخصیتی است که به ماه نگاه می کند(Hockett, Charles F ,1965).

ماهیت نمادها و نمادهای مذهبی

مفهوم نماد مذهبی نیز انواع و معانی بسیار گسترده ای را در بر می گیرد. تمثیل، تجسم ها، شکل ها، قیاس ها، استعاره ها، تمثیل ها، تصاویر (یا به طور دقیق تر، بازنمایی تصویری ایده ها)، نشانه ها، نشان ها به صورت جداگانه، نمادهای مصنوعی با معنای کلامی اضافه شده، و ویژگی ها به عنوان علامتی که برای تشخیص افراد خاص استفاده می شود(Barthes, Roland ,[1953] 1967). همه مقولات رسمی، تاریخی، ادبی و تصنعی امر نمادین هستند. اگر کسی به دنبال یک مخرج مشترک قابل تعریف برای انواع مختلف نمادها باشد، شاید بتوان اصطلاح «تصویر معنا» یا «نشانه معنا» را برای توصیف بهترین جنبه‌های آشکار و در عین حال پنهان تجربه دینی انتخاب کرد. نماد (مذهبی و غیره) در درجه اول برای حلقه افراد آغاز شده در نظر گرفته شده است و شامل تصدیق تجربه ای است که بیان می کند (Fairclough, Norman 1995,). با این حال، نماد از نظر معنایی پنهان نمی ماند. حتی تا حدی خصلت وحیانی نیز دارد (یعنی برای کسانی که در اعماق آن می اندیشند از معنای آشکار فراتر می رود). این نشان دهنده نیاز به ارتباط است و در عین حال جزئیات و درونی ترین جنبه های محتوای خود را پنهان می کند(Hayward, Susan ,1996). نمادگرایی مذهبی و شمایل نگاری، به ترتیب، اشکال و ژست های هنری اساسی و اغلب پیچیده هستند که به عنوان نوعی کلید برای انتقال مفاهیم دینی و بازنمایی های بصری، شنیداری و جنبشی ایده ها و رویدادهای مذهبی مورد استفاده قرار می گیرند. نماد و شمایل نگاری توسط تمام ادیان جهان استفاده شده است(Lemon, Lee T & Marion J Reis ,1965). از قرن بیستم، برخی از محققان بر ویژگی نمادین دین بر تلاش برای ارائه عقلانی دین تأکید کرده اند. حتی برخی از علمای روانشناسی و اسطوره شناسی، جنبه نمادین دین را ویژگی اصلی بیان دینی می دانند. محققان ادیان تطبیقی، قوم شناسان و روان شناسان، مطالب فراوانی در مورد جنبه های نمادین دین، به ویژه در رابطه با ادیان شرقی و محلی، گردآوری و تفسیر کرده اند. در الهیات و اعمال مذهبی مسیحی اخیر تجدید ارزیابی دیگری از عناصر نمادین مذهبی رخ داده است(Newcomb, Theodore M ,1952). اهمیت بیان نمادین و نمایش تصویری حقایق و اندیشه های دینی هم با مطالعه فرهنگ ها و ادیان محلی و هم با مطالعه تطبیقی ادیان جهانی تأیید، گسترش و تعمیق یافته است. نظام‌های نمادها و تصاویری که در رابطه منظم و معینی با شکل، محتوا و قصد ارائه تشکیل می‌شوند، از مهم‌ترین ابزارهای شناخت و بیان حقایق دینی هستند. چنین سیستم هایی همچنین به حفظ و تقویت روابط بین انسان ها و قلمرو قدسی یا مقدس (بعد متعالی و معنوی) کمک می کنند. نماد در واقع واسطه، حضور و بازنمایی واقعی (یا قابل فهم) مقدس در اشکال متعارف و استاندارد شده است(Real, Michael R ,1996). کلمه نماد از کلمه یونانی نمادون گرفته شده است که به معنای قرارداد، نشان، نشان و وسیله ای برای شناسایی است. طرفین قرارداد، متحدان، مهمانان و میزبان آنها می توانند با کمک قسمت های نماد یکدیگر را شناسایی کنند. این نماد در معنای اصلی خود یک کل منسجم بزرگتر را با استفاده از یک جزء نشان می دهد و ارتباط برقرار می کند(Carey, John ,1974). بخش، به عنوان نوعی گواهی، حضور کل را تضمین می کرد و به عنوان یک فرمول معنادار مختصر، زمینه بزرگتر را نشان می داد. بنابراین، نماد بر اساس اصل مکمل است. شیء نماد، تصویر، علامت، کلمه و ژست نیاز به تداعی ایده های آگاهانه خاصی دارد تا به طور کامل منظور از آنها را بیان کند. تا این حد هم کارکرد باطنی دارد و هم ظاهری، یا حجابی و آشکار. کشف معنای آن مستلزم مقدار مشخصی از همکاری فعال است. به عنوان یک قاعده، بر اساس قرارداد گروهی است که بر معنای آن توافق دارند(Altman, Rick ,1999). در توسعه تاریخی و استفاده کنونی از مفاهیم نمادسازی، الزاماً باید انواع مقولات و روابط متمایز شود. نمادهای مذهبی برای انتقال مفاهیم مربوط به رابطه بشریت با امر مقدس یا مقدس (مثلاً صلیب در مسیحیت) و همچنین به دنیای اجتماعی و مادی (مانند دارماچاکرا یا چرخ قانون، بودیسم) استفاده می شود. دیگر انواع غیر مذهبی نمادها در قرن 19 و 20 اهمیت فزاینده ای پیدا کردند، به ویژه آنهایی که با ارتباط انسان ها با جهان مادی و مفهوم سازی آن سروکار داشتند. نمادهای منطقی و علمی-فنی اهمیت روزافزونی در علم و فناوری مدرن پیدا کرده اند. آنها تا حدی برای رمزگذاری و تا حدی برای نشان دادن، مخفف کردن و قابل فهم کردن ریاضیات مختلف (مانند =، برابری؛ ≡، هویت؛ ∽، شباهت؛ ||، موازی؛ یا <، کمتر از)، فیزیکی (مثلاً، ∽، جریان متناوب)، بیولوژیکی (به عنوان مثال، ♂، نر؛ ♀، زن)، و سایر روابط و عملکردهای علمی و فنی. این نوع نمادهای «سکولاریزه شده» تا حدی در حوزه نمادگرایی مذهبی ریشه دارند. با تداعی یک معنای خاص با یک نشانه خاص، به شیوه ای مشابه نماد مذهبی عمل می کند. عقلانی شدن نمادها و عقده های نمادین و نیز عقلانی شدن اسطوره حداقل از دوره رنسانس مشهود بوده است (Lévi-Strauss, Claude ,[1962] 1974). اشکال و سطوح مختلف تجربه و رابطه با واقعیت (اعم از مقدس و ناپسند) با مفاهیم نماد، نشانه و تصویر مرتبط است. کارکرد نماد نمایش یک واقعیت یا حقیقت و آشکار ساختن آنی یا تدریجی آنهاست. رابطه نماد با

واقعیت تا حدودی مستقیم و صمیمی و نیز تا حدودی غیرمستقیم و دور تصور می شود [1744], Vico, Gianbattista) (1968. نماد گاه با واقعیتی که نشان می دهد یکی می شود و گاه به عنوان شفافیت محض آن تلقی می شود. به‌عنوان یک «نشانه» یا «تصویر»، بازنمایی تجربه و رابطه با واقعیت، معنایی دلالتی یا واقعی دارد. آموزه حضور عشای ربانی (مقدس) مسیح در آموزه های ارتدکس شرقی، کاتولیک رومی، و اصلاح طلبان پروتستان بطور ملموس سطوح مختلف و گسترده درک نمادین را نشان می دهد. این سطوح از مفهوم هویت فیزیکی در نظریه استحاله کاتولیک رومی (که در آن اعتقاد بر این است که ماده نان و شراب به بدن و خون مسیح تبدیل می‌شود، هر چند ویژگی‌های عناصر یکسان می‌ماند) گسترش می‌یابد(Foucault, Michel ,1974). از طریق نظریه حضور واقعی مارتین لوتر (که در آن مسیح به عنوان حاضر در نظر گرفته می شود، اگرچه به این سؤال پاسخ داده نمی شود که چرا حضور او مهمتر است) و نظریه نشانه (نمادین یا یادبود) هالدریش زوینگلی، به مفهوم کنایه صرف مفهوم نماد اما شامل همه این تفاسیر است(Ivins, W ,1953). علاوه بر این، نماد در کارکرد میانی خود دارای جنبه‌های معرفت‌شناسی (نظریه شناخت) و هستی‌شناسی (نظریه هستی) است(Lotman, Yuri ,1976). به‌عنوان وسیله‌ای برای معرفت، در یک فرآیند دیالکتیکی مشخص از حجاب و آشکار ساختن حقایق عمل می‌کند. این یک کارکرد تفسیری را در فرآیند درک و درک مؤثر تجربه دینی انجام می دهد. در انجام این کار، کلمه یا نماد - با معنی، کاربرد متنی، ارتباط با دیگر انواع بیان دینی، و ارتباط تفسیری با اشکال مختلف نشانه، تصویر، اشاره و صدا- نقش مهمی در روند ادراک و بازتاب نمادین اگر چه نماد مخفف است، اما به عنوان وسیله ارتباطی که از طریق ارتباط با موضوع دین و با جهان متعالی به وجود می‌آورد، نه تنها معرفتی تفسیری از جهان و اعطای یا مقایسه معنا به زندگی، بلکه همچنین وسیله ای برای دسترسی به واقعیت مقدس. حتی ممکن است منجر به آمیختگی یا به نوعی اتحاد با الهی شود. تا این حد، راز عشای ربانی، راز عبادی و تشریفاتی در مسیحیت - با نشانه های نمادین فراوان، بازنمایی های تصویری، افعال معنادار، کلمات تفسیری و سطوح مختلف رویکرد به واقعیت الهی- نمونه ای از یک امر بسیار است. شکل توسعه یافته یک کنش نمادین پیچیده در اینجا مفهوم قیاس مهم است; نماد به این ترتیب عمل می کند زیرا دارای یک رابطه شناختی و همچنین وجودی مشابه با آنچه دلالت می کند دارد(Morley, David ,1981b).

فرآیند نمادین

ردیابی منشاء، توسعه و تمایز یک نماد یک فرآیند پیچیده است. تقریباً هر نماد و تصویری در دین در ابتدا مستقیم یا غیرمستقیم با تأثیرات حسی و اشیاء محیط انسان در ارتباط است(Propp, Vladimir I ,[1928] 1968). بسیاری از اشیاء طبیعت مشتق شده اند و برخی دیگر به طور مصنوعی در فرآیند ادراک شهودی، تجربه عاطفی یا بازتاب عقلانی ساخته شده اند. در بیشتر موارد، سازه ها دوباره به اشیاء در دنیای ادراک حسی مربوط می شوند. گرایش به ساده‌سازی، اختصار به نشانه‌ها و انتزاع از اشیاء حسی کاملاً مشهود است، و همچنین تمایل به تمرکز چندین فرآیند در یک نماد واحد. نمونه خوبی از این آخرین گرایش را می توان در تصویرهای مسیحی باستانی از صلیب پیروز در مقابل پس زمینه ای از بهشت پر از ستاره که در اپیس بسیاری از کلیساهای باسیلیکایی ظاهر می شود، مشاهده کرد. در این بازنمایی‌ها، مصلوب شدن، رستاخیز، معراج، تعالی و تغییر شکل مسیح به مفاهیم آخرالزمانی (با تمرکز بر دخالت‌های ناگهانی خدا در تاریخ) که در آموزه‌های داوری آخرالزمان ذاتی است، ملحق می‌شوند(Rosenblum, Ralph & Robert Karen ,1979). از سوی دیگر، تمایلی به انباشت، ترکیب، ضرب و تمایز گزاره‌های نمادین برای همان فکر یا شرایط وجود دارد، همانطور که برای مثال در تابوت‌های سنگی دوران باستان مسیحی متأخر - به‌ویژه در راونا دیده می‌شود. در اینجا، همین ایده به صورت نمادین به شیوه‌های مختلف بیان می‌شود - مثلاً با استفاده از افراد، اشیاء، حیوانات و نشانه‌ها که همگی در کنار هم ظاهر می‌شوند(Metz, Christian (1982). با این حال، اشکال و اشکال تفکر نمادین می‌تواند به اغراق‌ها و رشد رتبه‌بندی تبدیل شود و منجر به دگرگونی‌ها و دورگه‌هایی شود - فیگورهایی با چندین سر، صورت یا دست - همانطور که در مجسمه‌ها و بازنمایی‌های تصویری خدایان هند نمونه‌ای است (به عنوان مثال، الهه چند سلاح کالی) و قبایل اسلاو (مانند سوانتویتوس چهار سر). معنای نمادهای فردی می تواند تغییر کند و حتی منحرف شود(Kristeva, Julia ,1980). بره ای که در هنر مسیحی باستان نماد مسیح است ممکن است نماد رسولان یا به طور کلی نوع بشر باشد. کبوتر ممکن است نماد روح القدس یا روح انسان باشد. چرخ یا دایره می تواند نماد جهان، خورشید یا حتی عالم اموات باشد. تمثیل دایره المعارف مسیحی (سمبولیسم) قرون وسطی نمونه های جالب بسیاری را ارائه می دهد، همانطور که در نوشته های سنت ایزیدور سویلا،

متکلم اسپانیایی قرن ششم تا هفتم، و رابانوس مائوروس، راهبایی و دایره المعارف آلمانی قرن نهم ذکر شده است (Derrida, Jacques ,1981) .

بحث و نتیجه‌گیری

اهمییت نمادها به اندازه‌ای است که می‌توان بیان داشت در صورت حذف نمادها جامعه بشری نیز حذف خواهد شد. یکی از مهمترین نمادها زبان است که انسان به وسیله صحبت کردن و نوشتن توانسته است با سایر هم نوعان خود ارتباط برقرار کند. از سوی دیگر با در نظر گرفتن مفهموم و معنی پیام به این نتیجه می‌رسیم که با استفاده از نمادها است که می‌توانیم پیام‌ها را از شخصی به شخص دیگر منتقل کنیم. باید توجه شود که معنای پیام در ذهن اشخاص است و فقط با دیدن یک پیام در قالب نماد نمی‌توان به منظور فرستنده پیام پی برد. از این رو باید معنای پیام‌ها که همان نمادها می‌باشند را به انسان‌ها یاد داد تا آن‌ها بتوانند با دیدن هر پیام یا نمادی معنای آن را درک کنند. آموزش زبان‌های مختلف و نیز فن ترجمه یکی از این موارد بسیار مهم است. تفسیر و معنی کردن نوشته‌های بین دو کشور که در ترجمه آن می‌توان شاهد سوء تفاهم و اختلاف از فهم ترجمه بود. و یا تفسیر وکلا از مدارک موجود در پرونده‌ها برای آن که فهم جدیدی را در ذهن قاضی پرونده ایجاد کنند همگی حاکی از این است که اهمییت شناخت و فهم نمادها بسیار اهمییت دارد. به هر میزانی که بتوان جوامع انسانی را طبقه‌بندی کنیم به همان میزان هم نمادها طبقه‌بندی می‌شوند. در تمام حوزه‌های علمی، نمادهای خاص آن حوزه امکان برقراری ارتباط با سایر حوزه‌ها و نیز افراد داخل همان حوزه را فراهم می‌آورد. مثلا در حوزه پزشکی از حوزه کامپیوتر استفاده بسیاری شده است. زبان و ادبیات پزشکی یا به اصطلاح گفتمان پزشکی دارای نمادهای خاص خود است که بسیاری از آن را فقط افراد متخصص در حوزه پزشکی فهم می‌کنند. در حوزه کامپیوتر هم بسیاری نمادها است که فقط متخصصین این حوزه آن را درک می‌کنند و به اصطلاح گفتمان این حوزه را می‌فهمند. با استفاده از علوم کامپیوتر در حوزه پزشکی این الزام پدید می‌آید که افراد مشغول در حوزه پزشکی با نمادهای حوزه کامپیوتر نیز آشنا بشوند. از این رو گسترش علوم کامپیوتری در حوزه‌های مختلف زندگی باعث گسترش این نمادها در تمام حوزه‌ها شده به گونه‌ای که امروز وجود این نمادها را در لوازم خانگی هم می‌بینیم. از این رو اگر افرادساکن کره زمین بر اساس حوزه‌ای که زندگی می‌کنند معانی نمادهای گوناگون را فرا نگیرند و آن را درک نکنند از توانایی برقراری ارتباط در حوزه‌های مختلف زندگی عقب مانده و می‌تواند موجب افسردگی و اضطراب شود. ادامه زندگی بشر در کره زمین از ابتدا تا به امروز با استفاده از نمادها در جهت برقراری ارتباط و توان بقا بوده است.

منابع:

1. Abrams, Meyer H (1971): The Mirror and the Lamp: Romantic Theory and the Critical Tradition. London: Oxford University Press
2. Alberti, Leon Battista (1966): On Painting (trans. John R Spencer). New Haven, CT: Yale University Press
3. Allport, Gordon W. & Leo J. Postman (1945): 'The Basic Psychology of Rumour', Transactions of the New York Academy of Sciences, Series II 8: 61- 81. Reprinted in Eleanor E. Maccoby, Theodore M. Newcomb & Eugene L. Hartley (Eds.) (1959): Readings in Social Psychology (3rd edn.). London: Methuen
4. Altman, Rick (1999): Film/Genre. London: BFI
5. Bacon, Francis (1620): Novum Organum. In J M Robertson (Ed.) (1905): The Philosophical Works of Francis Bacon (trans. R L Ellis & J Spedding). London: Routledge
6. Barnlund, Dean C (1975): 'Communication Styles in Two Cultures: Japan and the United States'. In A Kendon, R M Harris & M R Key (Eds.): Organization of Behavior in Face-to-Face Interaction. The Hague: Mouton
7. Barthes, Roland ([1953] 1967): Writing Degree Zero (trans. Annette Lavers & Colin Smith). London: Cape
8. Barthes, Roland ([1964] 1967). Elements of Semiology (trans. Annette Lavers & Colin Smith). London: Jonathan Cape
9. Baudrillard, Jean (1995): The Gulf War Did Not Take Place (trans. Paul Patton). Bloomington, IN: Indiana Univ Press
10. Benveniste, Emile (1971): Problems in General Linguistics (trans. Mary E Meek). Coral Gables: University of Miami Press
11. Birdwhistell, Ray L (1971): Kinesics and Context: Essays on Body-Motion Communication. London: Allen Lane
12. Boorstin, Daniel J (1961): The Image, or What Happened to the American Dream. London: Weidenfeld and Nicolson
13. Bruner, Jerome S (1966): 'Culture and Cognitive Growth'. In J S Bruner, R R Olver & P M Greenfield (Eds.): Studies in Cognitive Growth. New York: Wiley
14. Butler, Judith (1999): Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity London: Routledge
15. Buxton, David (1990): From 'The Avengers' to 'Miami Vice': Form and Ideology in Television Series. Manchester: Manchester University Press
16. Carey, John (1974): 'Temporal and Spatial Transitions in American Fiction Films', Studies in the Anthropology of Visual Communication 1: 45-50
17. Chaplin, Elizabeth (1994): Sociology and Visual Representation. London: Routledge
18. Chase, Stuart (1938): The Tyranny of Words. New York: Harcourt, Brace & World
19. Cherry, Colin (1966): On Human Communication (2nd Edn.). Cambridge, MA: MIT Press
20. Cook, Guy (1992): The Discourse of Advertising. London: Routledge
21. Corner, John (1980): 'Codes and Cultural Analysis', Media, Culture and Society 2: 73-86
22. Corner, John (1983): 'Textuality, Communication and Power'. In Davis & Walton (Eds.), op. cit., pp. 266-81
23. Culler, Jonathan (1985): Saussure. London: Fontana

24. Danesi, Marcel (1999): Of Cigarettes, High Heels and Other Interesting Things: An Introduction to Semiotics. London: Macmillan
25. Davis, Howard & Paul Walton (1983b): 'Death of a Premier: Consensus and Closure in International News'. In Davis & Walton (Eds.), op. cit, pp. 8-49
26. Deregowski, Jan B (1980): Illusions, Patterns and Pictures: A Cross-Cultural Perspective. New York: Academic Press
27. Derrida, Jacques (1976): Of Grammatology (trans. Gayatri Chakravorty Spivak). Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press
28. Derrida, Jacques (1978): Writing and Difference (trans. Alan Bass). London: Routledge & Kegan Paul
29. Derrida, Jacques (1981): Positions (trans. Alan Bass). London: Athlone Press
30. Eagleton, Terry (1983): Literary Theory: An Introduction. Oxford: Basil Blackwell
31. Eco, Umberto (1965): 'Towards a Semiotic Enquiry into the Television Message', In Corner & Hawthorn (Eds.) (1980), pp. 131-50
32. Fairclough, Norman (1995): Media Discourse. London: Edward Arnold
33. Forman, H B (Ed.) (1880): The Works of Percy Bysshe Shelley in Verse and Prose, Vol. 6. London: Reeves & Turner
34. Foucault, Michel (1974): The Archaeology of Knowledge. London: Tavistock
35. Gallie, W B (1952): Peirce and Pragmatism. Harmondsworth: Penguin
36. Genosko, Gary (1994): Baudrillard and Signs: Signification Ablaze. London: Routledge
37. Goffman, Erving (1969): Behaviour in Public Places. Harmondsworth: Penguin
38. Goldschmidt, E P (1943): Mediaeval Texts and Their First Appearance in Print. Oxford: Oxford University Press
39. Gombrich, Ernst H (1974): 'The Visual Image'. In David R Olson (Ed.): Media and Symbols: The Forms of Expression, Communication and Education. Chicago, IL: University of Chicago Press, pp. 255-8; first published in Scientific American 227 (September 1971): 82-96
40. Goodman, Marcia (1990): 'Innocent Impostors: Gender, Genre and the Teaching of Writing', Visions and Revisions: Research for Writing Teachers 2 (1): 37-51
41. Goodman, Nelson (1968): Languages of Art: An Approach to a Theory of Symbols. London: Oxford University Press
42. Hagstrom, Warren O (1965): The Scientific Community. New York: Basic Books
43. Halliday, Michael A K (1994): An Introduction to Functional Grammar. London: Edward Arnold
44. Hansen, Kristine (1988): 'Rhetoric and Epistemology in the Social Sciences: A Contrast of Two Representative Texts'. In D A Jolliffe (Ed.): Writing in Academic Disciplines (Advances in Writing Research, Vol. 2). Norwood, NJ: Ablex
45. Hawkes, Terence (1977): Structuralism and Semiotics. London: Routledge
46. Hayward, Susan (1996): Key Concepts in Cinema Studies. London: Routledge
47. Heath, Stephen (1981): 'Metz's Semiology: A Short Glossary'. In Eaton (Ed.), op. cit., pp. 125-137
48. Hockett, Charles F (1965): 'Animal "Languages" and Human Language'. In J N Spuhler (Ed): The Evolution of Man's Capacity for Culture. Detroit, MI: Wayne State University Press, pp. 32-39
49. Innis, Robert E (Ed.) (1986): Semiotics: An Introductory Reader. London: Hutchinson

50. Ivins, W (1953): Prints and Visual Communication. Cambridge, MA: Harvard University Press
51. Jakobson, Roman (1960): 'Closing Statement: Linguistics and Poetics'. In Sebeok (Ed.), op.cit., pp. 350-77
52. Johnson, Richard (1996): 'What is Cultural Studies Anyway?'. In Storey (Ed.) op. cit., pp. 75-114
53. Kristeva, Julia (1980): Desire in Language: A Semiotic Approach to Literature and Art. New York: Columbia University Press
54. Lacan, Jacques (1977): Écrits (trans. Alan Sheridan). London: Routledge
55. Lakoff, George & Mark Johnson (1980): Metaphors We Live By. Chicago: University of Chicago Press
56. Lapsley, Robert & Michael Westlake (1988): Film Theory: An Introduction. Manchester: Manchester University Press
57. Leiss, William, Stephen Kline & Sut Jhally (1990): Social Communication in Advertising: Persons, Products and Images of Well-Being (2nd Edn.). London: Routledge
58. Lemon, Lee T & Marion J Reis (1965): Russian Formalist Criticism. Lincoln, NE: University of Nebraska Press
59. Lévi-Strauss, Claude (1964): Totemism (trans. Rodney Needham). Harmondsworth: Penguin
60. Lévi-Strauss, Claude ([1949] 1969): The Elementary Structures of Kinship (trans. James Harle Bell, John Richard von Sturmer & Rodney Needham). London: Eyre & Spottiswoode
61. Lévi-Strauss, Claude (1972): Structural Anthropology (trans. Claire Jacobson & Brooke Grundfest Schoepf). Harmondsworth: Penguin
62. Lévi-Strauss, Claude ([1962] 1974): The Savage Mind. London: Weidenfeld & Nicolson
63. Lodge, David ([1977] 1996): The Modes of Modern Writing: Metaphor, Metonymy and the Typology of Modern Literature. London: Arnold
64. Lodge, David (1988): Nice Work: A Novel. London: Secker & Warburg
65. Lotman, Yuri (1976): Analysis of the Poetic Text. Ann Arbor: University of Michigan Press
66. MacCabe, Colin (1974): 'Realism and the Cinema', Screen 15(2), pp. 7-27
67. McQuarrie, Edward F & David Glen Mick (1992): 'On Resonance: A Critical Pluralistic Inquiry into Advertising Rhetoric', Journal of Consumer Research 19: 180-97
68. Merton, Robert K (1968): Social Theory and Social Structure. New York: Free Press
69. Messaris, Paul (1982): 'To What Extent Does One Have to Learn to Interpret Movies?' In Sari Thomas (Ed.): Film/Culture. Metuchen, NJ: Scarecrow Press, pp. 168-83
70. Metz, Christian (1974): Film Language: A Semiotics of the Cinema (trans. Michael Taylor). New York: Oxford University Press
71. Metz, Christian (1982): The Imaginary Signifier (trans. Celia Britton, Annwyl Williams, Ben Brewster & Alfred Guzzetti). Bloomington: Indiana University Press
72. Mick, David Glen & Claus Buhl (1992): 'A Meaning-based Model of Advertising Experiences', Journal of Consumer Research 19: 317-38
73. Mick, David Glen & Laura G Politi (1989): 'Consumers' Interpretations of Advertising Imagery: A Visit to the Hell of Connotation'. In Elizabeth C Hirschman

(Ed.): Interpretive Consumer Research. Provo, UT: Association for Consumer Research, pp. 85-96
74. Morley, David (1981b): Interpreting Television. In Popular Culture and Everyday Life (Block 3 of U203 Popular Culture). Milton Keynes: Open University Press, pp. 40-68
75. Morley, David (1992): Television, Audiences and Cultural Studies. London: Routledge
76. Morris, Charles W (1938/1970): Foundations of the Theory of Signs. Chicago: Chicago University Press
77. Nelson, Richard K (1983): Make Prayers to the Raven: A Koyukon View of the Northern Forest. Chicago: University of Chicago Press
78. Newcomb, Theodore M (1952): Social Psychology. London: Tavistock
79. Ogden, Charles K ([1930] 1944): Basic English (9th Edn.). London: Kegan Paul, Trench, Trubner & Co.
80. Ogden, Charles K & Ivor A Richards (1923): The Meaning of Meaning. London: Routledge & Kegan Paul
81. Olson, David (1994): The World on Paper: The Conceptual and Cognitive Implications of Writing and Reading. Cambridge: Cambridge University Press
82. O'Sullivan, Tim, John Hartley, Danny Saunders, Martin Montgomery & John Fiske (1994): Key Concepts in Communication and Cultural Studies. London: Routledge
83. Panofsky, Erwin (1970b): Renaissance and Renascences in Western Art. London: Paladin
84. Propp, Vladimir I ([1928] 1968): Morphology of the Folktale (trans. Laurence Scott, 2nd edn.). Austin: University of Texas Press
85. Real, Michael R (1996): Exploring Media Culture: A Guide. Thousand Oaks, CA: Sage
86. Riffaterre, Michael (1970): 'Describing Poetic Structures: Two Approaches to Baudelaire's "Les Chats"'. In J. Ehrmann (Ed.): Structuralism. Garden City, NY: Anchor Books, pp. 188-230
87. Rosenblum, Ralph & Robert Karen (1979): When the Shooting Stops... The Cutting Begins: A Film Editor's Story. New York: Da Capo
88. Samovar, Larry A & Richard E Porter (1988): Intercultural Communication: A Reader (5th Edn.). Belmont, CA: Wadsworth
89. Saussure, Ferdinand de ([1916] 1983): Course in General Linguistics (trans. Roy Harris). London: Duckworth
90. Sebeok, Thomas A (Ed.) (1960): Style in Language. Cambridge, MA: MIT Press
91. Spiggle, Susan (1998): 'Creating the Frame and the Narrative: From Text to Hypertext'. In Stern op. cit., pp. 156-190.
92. Strinati, Dominic (1995): An Introduction to Theories of Popular Culture. London: Routledge
93. Tagg, John (1988): The Burden of Representation: Essays on Photographies and Histories. Basingstoke: Macmillan
94. Thayer, Lee (1982): 'Human Nature: Of Communication, of Structuralism, of Semiotics', Semiotica 41(1/4): 25-40
95. Tudor, Andrew (1974): Image and Influence: Studies in the Sociology of Film. London: George Allen & Unwin
96. Vico, Gianbattista ([1744] 1968): The New Science (trans. Thomas Goddard Bergin & Max Harold Finch). Ithaca: Cornell University Press

97. White, Hayden (1987): The Content of the Form: Narrative Discourse and Historical Representation. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press
98. Willemen, Paul (1994): Looks and Frictions: Essays in Cultural Studies and Film Theory. London: BFI/Bloomington, IN: Indiana University Press
99. Wren-Lewis, Justin (1983): 'The Encoding/Decoding Model: Criticisms and Redevelopments for Research on Decoding', Media Culture & Society 5(2): 179-97
100. Wright, Lawrence (1983): Perspective in Perspective. London: Routledge & Kegan Paul

Abstract:

From the first moment of his appearance on the planet, man has used symbols to communicate with other people for survival. The carvings of the first humans in the caves around the world, which contain various forms of animals, humans and beasts, are still the subject of discussion among scientists to discover their meanings. Using documentary and library information, we are looking for the answer why knowing symbols and the ability to interpret and interpret them is important. On the other hand, with the increase in the ability to interpret the meaning of symbols, the ability to understand history and the relationship between communication elements also increases over time, and in fact, by using the symbols left by the past, humans find the ability to move deeper into history. . The results of the research have indicated that it can be said that humans are living in a society made of overt and hidden symbols and basically it can be said that we have the possibility of living in a structure of symbols and without it the ability to continue living is possible for us. will not be.